

DOI: [10.22034/wasj.2024.444894.1044](https://doi.org/10.22034/wasj.2024.444894.1044)

West Asia Journal (WAJ)

Vol 2, No 2(5) summer 2024

Received Date: 2/24/2024

Accept Date: 10/3/2024

Article Type: Original

Research

PP: 33-58



فصلنامه غرب آسیا

سال ۲، شماره ۲ (۵)، تابستان ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۲

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

صفحات: ۳۳-۵۸

سیاست خارجی آمریکا در قبال اسرائیل و پیامدهای آن بر امنیت

ملی ایران (۲۰۲۰-۲۰۲۴)

دکتر سید امیر نیاکویی^۱، فریده امانی^۲

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده:

سیاست خارجی آمریکا در قبال اسرائیل در دوران بایدن متأثر از عوامل مختلفی است. از یک سو اتحاد استراتژیک و کلان این دو بازیگر تداوم یافته و وقایعی چون ۷ اکتبر و مقابله با تهدیدات ایران، آنرا عمق بیشتری داده است. از سوی دیگر سیاست کلان ایالات متحده در زمینه کاهش تعهدات و درگیری در خاورمیانه و سیاست موازنه فراساحلی نیز بر روابط آمریکا و اسرائیل و به طور کلی بر روابط بازیگران در خاورمیانه تأثیر گذارده است. پرسش اصلی این پژوهش این است که «رویکرد سیاست خارجی بایدن در قبال خاورمیانه و مشخصاً اسرائیل چگونه امنیت ملی ایران را متأثر کرده است؟» یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که «بایدن با اتخاذ رویکرد موازنه فراساحلی در خاورمیانه، افزایش نقش آفرینی اسرائیل و همچنین گروه‌های نیابتی همسو با منافع تهران در خاورمیانه را در پی داشته است. این سیاست زمینه گسترش تنش و نزاع بین ایران و اسرائیل را فراهم آورده است». همچنین، بین سیاست حمایتی آمریکا در قبال اسرائیل و تهدید محیط امنیتی ایران ارتباط وجود دارد و اتحاد کشورهای عربی و اسرائیل در چارچوب پیمان ابراهیم، واقعه ۷ اکتبر و گسترش نزاع در منطقه خاورمیانه همگی امنیت ملی ایران را تحت تأثیر قرار داده‌اند. در این پژوهش از روش تحلیلی توصیفی استفاده شده و روش جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است.

^۱ دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه گیلان، رشت، ایران، ایمیل: niakoe@gmail.com

^۲ دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

کلید واژگان: ایالات متحده، اسرائیل، امنیت ملی ایران، موازنه فراساحلی، اتحاد استراتژیک

۱- مقدمه

آمریکا در تعریف نظم جهانی، خاورمیانه را بخشی از حوزه امنیتی خود قرار داد. به گونه‌ای که برای حفظ موازنه قوا، دیگر نباید به مانند دوران جنگ سرد از قدرت خود به صورت بلندمدت استفاده کند، بلکه اکنون آمریکا باید از موقعیت خود برای حفظ هژمونی در نیم کره غربی و مقابله با ظهور قدرت‌های هژمون در ۳ منطقه اروپا، شرق آسیا و خلیج فارس تمرکز نماید و حضور سخت ایالات متحده را در غرب آسیا را کاهش دهد. نظرسنجی موسسه پیو در آوریل ۲۰۱۶ نشان داد که ۵۷ درصد از آمریکایی‌ها موافق هستند که ایالات متحده باید «با مشکلات خود کنار بیاید و اجازه دهد دیگران با مشکلات خود برخورد کنند» (Mearsheimer & Walt, 2016: 71). در واقع روی‌گردانی آمریکایی‌ها از استراتژی کلان غالب، با توجه به سابقه ناکارآمدی آن در ربع قرن گذشته، جای تعجب ندارد. در آسیا، هند، پاکستان و کره شمالی در حال گسترش زرادخانه‌های هسته‌ای خود هستند و چین وضعیت موجود را در آب‌های منطقه به چالش می‌کشد. در اروپا، روسیه کریمه را ضمیمه کرده است و روابط ایالات متحده با مسکو از زمان جنگ سرد به پایین‌ترین سطح خود رسیده است. تلاش‌های ایالات متحده برای میانجی‌گری صلح میان اسرائیل و فلسطین شکست خورده است و جنگ‌های طولانی در افغانستان و عراق باعث شده است که برخی راه‌حلی میان مداخله زیاد و کم را پیشنهاد کنند. یکی از راهبردها برای این امر، موازنه فراساحلی نام دارد که در آن، قدرت و پایداری با هزینه به ظاهر کم پیش‌بینی می‌شود. با این حال، موازنه

فراساحلی معادل یک انزوگرایی انتخابی ناپایدار است که ممکن است منجر به یک مداخله تاخیری و شاید پرهزینه‌تر شود.

سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه بیان‌گر دو مسئله حمایت از متحدان استراتژیک و بازدارندگی در مقابل دشمنان منطقه‌ای خود است. ایجاد اتحاد راهبردی با اسرائیل، ایران را در جایگاه رقیب برای آمریکا و این کشور را خط مقدم نظامی آمریکا در غرب آسیا قرار می‌دهد که می‌توان مدعی شد روابط اسرائیل و آمریکا، نزدیک‌ترین روابط دوجانبه میان دو واحد سیاسی در جهان محسوب می‌گردد به گونه‌ای که بقای این رژیم، برای تامین منافع آمریکا در منطقه «نقش حیاتی»^۱ ایفا می‌کند (Balaiah, 2022: 5). هر چند در دکترین امنیت ملی آمریکا، ایران تهدیدی برای امنیت آمریکا محسوب نمی‌شود، اما تامین امنیت اسرائیل، مهم‌ترین هدف آمریکا در خاورمیانه است. به گونه‌ای که کاخ سفید جمهوری اسلامی ایران را عامل ناامنی در خاورمیانه نام برده که مانعی بر سر راه صلح اعراب و اسرائیل است (Balaiah, 2022: 5). با روی کار آمدن دموکرات‌ها در آمریکا و اعلام کاهش تعهدات آمریکا در قبال خاورمیانه، دولت بایدن رویکرد دیپلماتیک کمتر تقابلی را در منطقه، مانند از سرگیری مذاکرات هسته‌ای با ایران و ادامه توافق ابراهیم اتخاذ کرد. بایدن براین‌باور است که کارزار فشار حداکثری ترامپ در قبال ایران در دستیابی به اهداف خود ناموفق بوده و باید سیاست نوینی تدوین کرد که منافع آمریکا را تامین کند. بایدن قبل و بعد از انتخابات تاکید کرد که دولت وی در

¹ Critical Role

صورت بازگشت ایران به برجام، به این توافق بازخواهد گشت (رادفر و دهقانی - فیروزآبادی، ۱۳۹۹: ۲۲۶).

از آنجایی که اسرائیل اولویت محوری برای آمریکا است، دولت بایدن اذعان دارد که "بازگشت به ارتباطات قبلی خود را با فلسطین مشروط به راه حل دودولتی" می‌داند. به گونه‌ای که دموکرات‌ها همکاری منطقه‌ای را با آغاز توافق‌نامه ابراهیم و شعار «دنیای بهتر بسازید» مطرح کردند (Balaiah, 2022: 5). اما با وقوع رویداد ۷ اکتبر ۲۰۲۳ رویکرد بایدن در قبال خاورمیانه تغییر و این جنگ را تهدیدی از جانب ایران و گروه‌های نیابتی تلقی نمودند و پس از حمله حماس حمایت خود را از اسرائیل ابراز کرد و با فروش تسلیحات به تل‌آویو، و همزمان حمایت گروه‌های جهادی کشورهای منطقه از حماس باعث گسترش این منازعه شدند. این تحولات توانست امنیت ملی ایران را به مخاطره بیندازد. برای اسرائیل بازدارندگی رکن اصلی حفظ امنیت است و هر آنچه به این بازدارندگی خدشه وارد سازد، خط قرمزی برای امنیت اسرائیل محسوب می‌شود. با قدرت‌یابی ایران در صورت پیروزی گروه‌های مقاومت، کشورهای منطقه و فرامنطقه مجبور خواهد بود هزینه‌های کلانی را تقبل کنند. این نوشتار با بهره‌گیری از رویکرد موازنه فراساحلی رویکرد سیاست خارجی بایدن در قبال اسرائیل را تبیین می‌کند و به بررسی تاثیر این اتحاد بر امنیت ملی و تهدیدات پیرامونی ایران می‌پردازد. در پژوهش حاضر، ابتدا به رویکرد موازنه فراساحلی می‌پردازیم.

۲- چارچوب نظری

مفهوم موازنه فراساحلی^۱ از سنت واقع‌گرایی ناشی می‌شود و بر روی حفظ سیستم و یک موازنه قوای قابل قبول متمرکز است و یک مفهوم استراتژیک است که در تحلیل‌های رئالیستی از روابط بین‌الملل استفاده می‌شود. این راهبرد، روشی را که یک قدرت بزرگ از توان قدرت‌های منطقه‌ای طرفدار خود برای ممانعت از افزایش قدرت‌های متخاصم بالقوه استفاده می‌کند را توصیف می‌کند (Mossalanejad, 2018: 23). تعادل فراساحلی به معنای انزوگرایی انتخابی است که به راحتی به مداخله تاخیری تبدیل می‌شود. پیشنهاد اخیر جان میرشایمر از دانشگاه شیکاگو و استفان والت از دانشگاه هاروارد برای استراتژی فراساحلی این است که، بسیاری از کشورها را می‌توان رها کرد تا مشکلات خود را بدون کمک ما حل کنند. این دو یک استراتژی بزرگ واقع‌گرایانه را پیشنهاد می‌کنند که بر «حفظ سلطه ایالات متحده در نیمکره غربی و مقابله با هژمون‌های بالقوه در اروپا، آسیای شمال شرقی و خلیج فارس» متمرکز است. آنها از ایالات متحده می‌خواهند که به توازن منطقه‌ای که عمدتاً توسط قدرت‌های محلی انجام می‌شود کمک کند، در حالی که نیروی نظامی ایالات متحده آمریکا «تا زمانی که امکان دارد در فراساحل باقی بماند» (Roskin, 2016: 2-10). هدف نخست راهبرد موازنه فراساحلی این است که آمریکا ابر قدرت نیمکره غربی باقی بماند؛ به شکلی که شهروندانش نگرانی درباره مورد حمله قرار گرفتن، یا اجبار به انجام کاری^۲ توسط یک رقیب مجاور دارای قابلیت‌های مشابه، نداشته باشند. دوم، این راهبرد بر این اعتقاد است که خارج از نیمکره

¹ Offshore balance

² coerced

غربی، اروپا، شرق آسیا و خلیج فارس برای آمریکا دارای ارزش حیاتی هستند، به صورتی که آمریکا می‌تواند برای دفاع از آن‌ها وارد جنگ شود (Walt, 2018: 13). زیرا دو منطقه اروپا و آمریکا، مراکز کلیدی قدرت صنعتی هستند و خلیج فارس نیز محل تولید و عرضه ۳۰ درصد نفت جهان است. در این راهبرد، آمریکا ضمن حفظ تسلط بر نیم کره غربی، باید کشورهای دیگر را تشویق کند تا در روند ممانعت از ظهور قدرت‌ها در مناطق کلیدی مشارکت کنند و خود تنها در صورت لزوم در آن مناطق مداخله نماید؛ اما این به معنای رها کردن موقعیت ایالات متحده آمریکا به عنوان ابر قدرت جهان و عقب‌نشینی به قلعه آمریکا^۱ نیست (Mearsheimer & Walt, 2016: 71-72). براین اساس فرض موازنه فراساحلی این است که آمریکا زمان کافی برای واکنش به تهدیدها پیش از رسیدن به این کشور را دارد و اگر متحدان برای مقابله با این تهدیدات در آینده، مورد نیاز باشند، ایالات متحده آمریکا قادر خواهد بود با شکل دادن به ائتلاف‌ها با متحدان با تهدیدات مقابله کند (Art, 2011: 176).

از آنجا که سالها طول می‌کشد تا هر کشوری ظرفیت تسلط بر منطقه خود را به دست آورد، واشنگتن، زمانی برای پاسخگویی خواهد داشت. در آن صورت، ایالات متحده باید به نیروهای منطقه‌ای به‌عنوان اولین خط دفاعی توجه کند و به آنها اجازه دهد موازنه قدرت را در همسایگی خود حفظ کنند. اگرچه واشنگتن می‌تواند متعهد شود که در صورت خطر از متحدان حمایت کند، اما باید از استقرار تعداد زیادی از نیروهای آمریکایی در خارج خودداری کند. ممکن است گهگاه نگره داشتن برخی دارایی‌ها در خارج از کشور، مانند نیروهای نظامی کوچک، تأسیسات

¹ Fortress America

جمع‌آوری اطلاعات، یا تجهیزات پیش‌فرض منطقی باشد، اما به طور کلی، واشنگتن باید مسئولیت را به قدرت‌های منطقه بسپارد. با این حال، اگر آن قدرت‌ها نتوانند به تنهایی یک هژمون بالقوه را مهار کنند، ایالات متحده باید به انجام کار کمک کند تا تعادل را به نفع خود تغییر دهد (Mearsheimer & Walt, 2016: 76-74). برای نزدیک به یک قرن، تعادل فراساحلی از ظهور هژمون‌های منطقه‌ای جلوگیری و امنیت آمریکا را افزایش داد.

۳-۱- شاخص‌های موازنه فراساحلی در سیاست خاورمیانه‌ای بایدن

موازنه فراساحلی محور اصلی سیاست خاورمیانه‌ای بایدن است. انگاره راهبردی بایدن مبتنی بر نشانه‌هایی از همکاری مرحله‌ای براساس ائتلاف متوازن برای مدیریت بحران بوده است. خروج آمریکا از افغانستان و کاهش ضریب درگیری آمریکا در عراق و سوریه بخشی از سازوکارهای محوری سیاست فراساحلی بایدن بود (جوادی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۵۳). الگوی رفتار راهبردی بایدن در خاورمیانه بر سازوکارهای موازنه فراساحلی مبتنی است که از طریق قدرت نرم، همکاری‌های تاکتیکی و سازوکارهای کنش چندجانبه باز تولید می‌شود (Chalfant, 2021: 14). بر این اساس موازنه فراساحلی مبتنی بر درک ضرورت‌های امنیت‌سازی منطقه‌ای، بر اساس همکاری موازنه و حضور تاکتیکی است.

۳-۱-۱- همکاری‌های چندجانبه در روند امنیت‌سازی خاورمیانه‌ای

بر خلاف راهبرد هژمونی لیبرال که چند قطبی بودن نظام بین‌الملل را منتج به بی‌ثباتی می‌دانست، موازنه فراساحلی تلاش برای حفظ هژمونی ایالات متحده با

تاکید بر کنش‌های یک‌جانبه را شکست خورده می‌داند که نه تنها به تثبیت برتری این کشور موجب نمی‌شود، بلکه سایر کشورها را به همکاری جهت مقابله با دولت هژمون وامی دارد. در تحلیل هزینه فایده، از آنجا که ایالات متحده توان جلوگیری از ظهور قدرت‌های نوظهور بزرگ درون حوزه نفوذ خود یا خارج از آن را ندارد، چندجانبه‌گرایی بیشتر می‌تواند منافع هژمون را تامین کند (گوهری مقدم و حضرتی، ۱۴۰۱: ۱۳۲). در سال ۲۰۲۱م. همکاری‌های نظامی و امنیتی بایدن و اسرائیل افزایش یافت. بایدن کوشید کنش راهبردی امنیت منطقه‌ای را بر اساس همکاری‌های چندجانبه کشورهای عربی، اسرائیل و بازیگران منطقه‌ای بازسازی کند. در واقع فضای کنش ارتباطی ایران و آمریکا در دوران بایدن از سال ۲۰۲۱م پیچیده شد. بایدن می‌کوشد از سازوکارهای «موازنه منطقه‌ای» در ارتباط با خاورمیانه استفاده کند (Karni, 2021: 3). وی تلاش دارد موازنه فراساحلی را مبتنی بر نشانه‌هایی از همکاری منطقه‌ای و حضور کم‌شدت قرار دهد و سیاست امنیت منطقه‌ای خود را بر اساس ارتقای سطح همکاری‌های دیپلماتیک و مشارکت در برنامه‌های امنیت-ساز منطقه‌ای قرار داده و (جوادی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۵۵) تلاش دارد تا اسرائیل را در فضای موازنه منطقه‌ای قرار دهد.

۳-۱-۲- باثبات‌سازی و بازتولید موازنه منطقه‌ای

موازنه از راه دور مبتنی بر «احاله مسئولیت»، «تقسیم هزینه‌های جنگ با متحدان منطقه‌ای و تقدم موازنه‌سازی درونی^۱ بر موازنه‌سازی بیرونی^۲» است. در این چارچوب، دولت هژمون داوطلبانه از مدیریت مناسبات امنیتی کنار می‌رود، وظیفه حفظ موازنه منطقه‌ای را به دیگران می‌سپارد و با ایجاد ثبات، مانع از بسط هژمونی قدرت‌ها می‌شود (گوهری مقدم و حضرتی، ۱۴۰۱: ۱۳۳). یکی از محورهای اصلی موازنه فراساحلی، نقش‌یابی ایران در منطقه و مهار آن از طریق سازوکارهای مربوط به قدرت نرم می‌باشد. هرگونه موازنه‌سازی نیازمند بهره‌گیری از سازوکارهایی است که امکان کنش همکاری جویانه بازیگران را ایجاد می‌کند. سیاست موازنه در تفکر بایدن می‌تواند نشانه‌هایی از ثبات مرحله‌ای در محیط منازعه‌آمیز را فراهم آورد (Ignatius, 2021: 6) در چنین شرایطی معادله قدرت متوازن و معطوف به حفظ وضع موجود می‌شود.

سیاست مهار ایران یکی از شاخص‌های اصلی روابط خارجی ایالات متحده بوده است. در نگرش بایدن، مهار ایران بخشی از سیاست راهبردی آمریکاست و تحقق این امر می‌بایست بر سازوکارهای کم‌هزینه در روند مهار رفتار منطقه‌ای ایران مبتنی باشد. باثبات‌سازی محیط امنیت خاورمیانه‌ای از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند زمینه‌های لازم برای همکاری‌های تاکتیکی بازیگران با ایران را فراهم سازد (Blinken, 2021: 21). دولت بایدن می‌خواهد سیاست حمایت بی‌قید و شرط ترامپ

¹ Internal Balancing

² External Balancing

از اسرائیل را متوقف کند در ۱۵ ژوئن ۲۰۲۲، بایدن، با در نظر گرفتن وضعیت روبه‌وخامت زندگی فلسطینیان، دو کمک مالی جدید - USAID ۲ میلیون و ۵ میلیون دلار، با هدف ایجاد یک مشارکت پزشکی و فناوری فرامرزی بین اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها اعلام کرد (Huczko: 2023: 25).

۴- اهمیت استراتژیک اسرائیل برای آمریکا

سیاست بایدن بر بحرانی بودن خاورمیانه برای ایالات متحده تاکید و اعلام کرده است که اسرائیل اولویت محوری برای سیاست آمریکا است. بایدن همچنین «ارتباطات قبلی خود را با فلسطین بازگرداند و به راه حل دو دولتی متعهد است» (Balaiah, 2021: 5). رابطه آمریکا و اسرائیل براساس اتحاد استراتژیک که ریشه‌های آن به جنگ سرد برمی‌گردد، شکل گرفته است (جوئل بینین، ۱۴۰۱: ۱۶۷). از طرفی، اسرائیل کوشیده در «جنگ علیه تروریسم»، خود را شریک مطمئنی برای آمریکا نشان دهد (آهویی، ۱۳۹۰: ۱۰۹) تا حفظ امنیت اسرائیل یکی از اهداف واشنگتن باشد. حال اسرائیل هم بر افزایش کمک‌های آمریکا سرمایه‌گذاری کرده و هم به تقویت برتری نظامی کیفی خود با کمک آمریکا می‌پردازد و با اشاره به ایران، از ایالات متحده آمریکا درخواست تعداد بیشتری از جنگنده‌های اف ۳۵، بمب‌های تخریب‌گر و افزایش حمایت از سیستم‌های دفاع موشکی را کرده است (Roblin, 2018: 9) و آمریکا نیز موافقت نموده است.

۵- اسرائیل و توافق نامه ابراهیم

پیمان ابراهیم^۱ تشکیل یک ائتلاف منطقه‌ای از اسرائیل و کشورهای عربی نزدیک به آمریکا و ایجاد توازن قوا را به عنوان کاتالیزور (نقطه تعادلی) برای دیگر قدرت‌های منطقه‌ای ترویج می‌کند. توافقنامه صلح خواستار همکاری در مناطق غیرنظامی، از جمله گفتگوی بین ادیان، و در حوزه سلامت، نوآوری و گردشگری و ... است و بهبود روابط تجاری را از طریق همکاری در فناوری و علم تسهیل می‌کند (Bayrak, 2021: 106). در این راستا ایالات متحده و اسرائیل محدودیت‌های اعمال شده بر دیگر بازیگران را کاهش خواهند داد تا به توافق نامه ابراهیم ویژگی منطقه‌ای بدهند، چرا که صلح تنها با چند کشور کمک چندانی به امنیت اسرائیل و ایالات متحده نخواهد کرد.

با امضای این توافق، نتانیاهو توانست از طرح الحاق کرانه باختری که در صورت اجرا، می‌تواند فاجعه‌بار باشد، اجتناب کند. از نظر ژئوپلیتیکی، این توافق باعث تقویت اتحاد غیررسمی ضد ایران شود و کشورهای عربی بیشتری برای عادی-سازی روابط با اسرائیل ترغیب کند که منجر به انزوای جمهوری اسلامی ایران و فلسطین می‌شود و پایانی است بر رد ایدئولوژیک اعراب از «نه»‌های معروف مندرج در اعلامیه خارطوم در ۱۹۶۷ «نه» به رسمیت شناختن و مذاکره و صلح با اسرائیل (Norlen & Sinai, 2020: 2) و به نظر می‌رسد که کشورها اکنون تصمیم گرفته‌اند منافع خود را در اولویت قرار دهند.

¹ Abraham Accords

در فوریه ۲۰۲۰، شورای راهبردی روابط خارجی ایران پیش‌بینی کرد: «سرزمین‌های اشغالی در آینده شاهد انتفاضه جدیدی علیه رژیم صهیونیستی خواهند بود که بیش از انتفاضه قبلی از ایران حمایت می‌کند» (Ahmed, 2021: 113). این توافقنامه در راستای دستیابی به صلح یا حل مسئله فلسطین نیست. هدف محدود کردن فعالیت‌های ایران در منطقه است (Baqai&Mehreen, 2021: 116). این پیمان در پی تشدید تمایزات قومی با هدف اختلاف‌افکنی میان عرب‌ها و ایرانی‌هاست (الوندی و همکاران، ۱۴۰۰: ۸۷). به موجب این پیمان و در ازای همکاری آمریکا با کشورهای خلیج فارس، تل‌آویو خواهان پیشرفته‌ترین تسلیحات ممکن از آمریکا شد (جمشیدی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۶۸). بایدن با پذیرش این توافقنامه، از یکی از اقدامات سلف خود حمایت کرد و در اولین سفر خود به خاورمیانه در سال ۲۰۲۲، سیاست ترامپ در قبال ادغام بیشتر اسرائیل در منطقه را ادامه داد (Huczko: 2023: 26).

۶- راهبرد بایدن در قبال ایران

در بیانیه انتخاباتی بایدن و در چارچوب موازنه فراساحلی در راستای کاهش تعارضات، اولین تمرکز بر موضوع هسته‌ای ایران بود (Jiang, 2021: 85). از زمان پیروزی جو بایدن، دو گزینه «بازگشت بی قید و شرط» و «بازگشت مشروط» مطرح شد. به‌رغم ارتباط منطقی بین این موضوعات، وی بازگشت به برجام را مشروط به مذاکره درباره برنامه موشکی و قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران نمی‌کند (Friedman, Des, 2020: 2). سیاست هسته‌ای «بازگشت در برابر بازگشت» بایدن بیان

می‌کند که: «اگر ایران به رعایت و پایبندی دقیق و کامل توافق هسته‌ای برگردد، ایالات متحده نیز دوباره به موافقتنامه می‌پیوندد» (Biden, Sept. 13, 2020). بر پایه این سیاست، ایران محدودیت‌های هسته‌ای خود را رعایت می‌کند و در مقابل، آمریکا نیز تحریم‌ها را تعلیق می‌کند (رادفر و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۹: ۲۴۴). با اجتناب از تغییر رژیم، تعادل فراساحلی دلیل کمتری برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای به تکثیرکنندگان احتمالی می‌دهد (Mearsheimer & Walt, 2016:79). از ویژگی‌های بارز بازگشت دولت بایدن به توافق هسته‌ای، «استراتژی تاخیر» است. بایدن برای دستیابی به پیشرفت موثر در توافق هسته‌ای عجله ندارد. بایدن از امضای اسناد مکتوب خودداری می‌کند تا اطمینان دهد که از توافق هسته‌ای ایران خارج نخواهند شد (Jiang, 2021: 86-7) و مصمم به مقابله با فعالیت‌های در حمایت از گروه‌های تروریستی است (Balaiah, 2021: 4).

۷- رویکرد اسرائیل نسبت به ایران و وقایع ۷ اکتبر

تغییر نگاه ایران به اسرائیل در آغاز به‌کار جمهوری اسلامی، منجر به بازنگری سیاست‌های هر دو بازیگر در قبال یکدیگر شد (جمشیدی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۵۰). ایران در طول چند دهه گذشته با حمایت از گروه‌های فلسطینی، تشکیل حزب‌الله لبنان و حمایت از سوریه و جبهه‌ی مقاومت، به رویارویی با سیاست‌های اسرائیل پرداخت (صالحی و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۵۵). دکترین سیاست خارجی نتانیاهاو به تهدید ناشی از ایران و نقش ایالات متحده در کمک به او برای مقابله با این تهدید مربوط می‌شود. (Norlen & Sinai, 2020: 5). اسرائیل با پیمان ابراهیم در صدد عادی‌سازی روابط با کشورهای منطقه و محور نفوذ ایران و تلاش برای

خروج از انزوا و کسب متحدانی در خاورمیانه است (جمشیدی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۶۰) اسرائیل نگران است که بایدن، سازشی با ایران داشته باشد و گزینه استفاده از نیروی نظامی را منتفی کند، (برهانی و حسینی، ۱۴۰۰: ۵۵)

با کشته شدن صدها اسرائیلی توسط شبه نظامیان حماس در ۷ اکتبر، ایالات متحده حمایت خود را از اسرائیل ارائه کرد. مقامات اسرائیلی همزمان با ورود بایدن به تل آویو در مورد انتقام گرفتن از حماس صحبت نمودند: یوآف گالانت، وزیر دفاع، شبه نظامیان حماس را «حیوانات انسانی» خواند و ران پروسور، فرستاده اسرائیل، آنها را به داعش تشبیه کرد که باید «نابود شوند» (Jangid, 2023: 2-3). اما با این وجود، درحالی که فشار بین‌المللی بر اسرائیل برای اعلام «آتش‌بس» تشدید شد، لوید آستین، وزیر دفاع آمریکا در یک کنفرانس مطبوعاتی در تل آویو در ۱۸ دسامبر اعلام کرد، "من اینجا نیستم تا جدول زمانی یا شرایط را به اسرائیل دیکته کنم" (Timmerman, 2024: 3). آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه ایالات متحده در سفر به خاورمیانه گفت بایدن می‌خواهد کنسولگری ایالات متحده در اورشلیم و نمایندگی دیپلماتیک آمریکا نزد فلسطینیان را بازگشایی کند، اما درعین حال سفارت را در مکان جدید خود در اورشلیم ترک کند. (Huczko: 2023: 26) و از برنامه‌های ترامپ در مورد اورشلیم به‌عنوان یک شهر جدا نشدنی یهودی خارج می‌شود.

۶- راهبرد فراساحلی بایدن در عمل

کاربرد موازنه فراساحلی به مفهوم آن است که ایالات متحده از سازوکارهای تهاجم گزینشی و سازوکارهای امنیتی با شدت نظامی محدودتر بهره می‌گیرد. آمریکا پس از چالش‌های امنیتی در محیط منطقه‌ای تلاش داشت تا موازنه منطقه‌ای را بر اساس الگوی کنش تعاملی، ائتلاف‌های منطقه‌ای و عملیات نظامی سازماندهی کند (مصطفی‌نژاد، ۱۴۰۲: ۶۴). براساس این راهبرد، در خلیج فارس ایالات متحده به استراتژی توازن فراساحلی بازگشت نموده است؛ زیرا هیچ قدرت محلی اکنون در موقعیتی نیست که بر منطقه مسلط شود، بنابراین ایالات متحده می‌تواند بیشتر نیروهای خود را به عقب برگرداند. در رابطه با داعش، ایالات متحده باید به قدرت-های منطقه اجازه دهد با آن گروه برخورد کنند (Balaiah, 2021: 3).

در ارتباط با جنگ ۲۰۲۲ اوکراین، سرنوشت این کشور برای ایالات متحده اهمیت چندانی ندارد، اما تضعیف روسیه، فرصتی است که ایالات متحده انگیزه زیادی برای آن داشته است. بایدن با پیگیری آنچه که «مداخله‌گرایی محدود» نامیده می‌شود، به جنگ اوکراین پاسخ داده است. این یک رویکرد ترکیبی است که عناصر نظامی‌گرایی، مداخله‌گرایی و ریسک‌پذیری را با نمونه‌هایی از خویشتن‌داری، پاسکاری و احتیاط ترکیب می‌کند. هدف اصلی بایدن به حداقل رساندن خطر حمله روسیه به ایالات متحده یا متحد ناتو می‌باشد (Harris, Marinova, & Gricius, 2023: 4). دولت بایدن که همچنان امیدوار است توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ را احیا کند، از تحریم‌ها چشم‌پوشی کرد تا این همکاری غیرنظامی هسته‌ای برای یک توافق هسته‌ای دیگر را فراهم کند. چنین معافیت‌هایی به همکاری‌های هسته‌ای نزدیک‌تر روسیه و ایران

کمک می‌کند. ایران که به دلیل تحریم‌های ایالات متحده آمریکا از دسترسی به سیستم‌های بانکی غربی محروم شد، به سیستم بانکی روسیه نزدیک شده است. (Phillips, & Brookes, 2023: 4). از طرف دیگر، سیاست خارجی بایدن در قبال اسرائیل روشن است. درحالی‌که درگیری فلسطین و اسرائیل ادامه دارد، بایدن فروش تسلیحات هدایت شونده به ارزش ۷۳۵ میلیون دلار به اسرائیل را تایید کرد (Sullivan & jiang, 2021: 90). از طرفی، ژنرال مک‌کنزی، فرمانده پیشین ستکام اعلام کرد: ما از پایگاه‌هایی که نیازی بدان نداشتیم، خارج شدیم و حملات علیه نیروهای آمریکایی را دشوارتر کردیم (گوهری مقدم و حضرتی، ۱۴۰۱: ۱۴۶). بایدن با اشاره به اینکه، آمریکا به دنبال درگیری نظامی در خاورمیانه نیست، تاکید کرد، به کسانی که سربازان آمریکایی را هدف قرار دهند پاسخ خواهند داد.

۸- تاثیر سیاست خارجی آمریکا بر امنیت ملی ایران

محور اصلی سیاست خارجی آمریکا در سالهای ابتدایی قرن ۲۱ بازتولید شکل-بندی‌های امنیت منطقه‌ای از طریق حداکثرسازی مداخله نظامی بوده است. گسترش نظامی‌گری در افغانستان و عراق منجر به افزایش چالش‌های امنیتی برای آمریکا شد. ایالات متحده به مرور سیاست موازنه ساحلی را برای مواجهه با تهدیدات در این منطقه دنبال نمود. بایدن نیز مشخصاً از سازوکارهای مربوط به سیاست موازنه فراساحلی در محیط منطقه‌ای بهره می‌گیرد. کاربرد سیاست موازنه فراساحلی به مفهوم آن است که ایالات متحده از سازوکارهای تهاجم‌گزینی و سازوکارهای امنیتی با شدت نظامی محدودتر بهره می‌گیرد. آمریکا پس از چالش‌های امنیتی در

محیط منطقه‌ای تلاش می‌کند تا موازنه منطقه‌ای را بر اساس الگوی کنش تعاملی، ائتلاف‌های منطقه‌ای و عملیات نظامی سازماندهی کند (مصطفی‌نژاد، ۱۴۰۲: ۶۴). از طرف دیگر، دولت بایدن رویکرد دیپلماتیک کمتر تقابلی را در منطقه اتخاذ کرد، مانند از سرگیری مذاکرات هسته‌ای با ایران و ادامه توافق ابراهیم (Balaiah, 2021: 1).

خاورمیانه که از ایران تا مراکش امتداد دارد، جایگاه خود را به‌عنوان عرصه‌ای با افراط‌گرایی خشونت‌آمیز، درگیری‌های درون‌دولتی، مداخله‌گرایی قدرت‌های بزرگ حفظ کرد (Saikal, 2022: 106). این نتیجه دهه‌ها رقابت ژئوپلیتیکی است که خاورمیانه را به یک منطقه جنگی تبدیل نموده است (Balaiah, 2022: 5) و از جمله مناطقی است که سیاست چرخش آسیایی آمریکا و پیگیری راهبرد موازنه فراساحلی در آن تاثیر گذار بوده و ایران نیز به‌عنوان یکی از کشورهای مهم منطقه از این مسئله متاثر گشته است. استدلال می‌شد که برنامه آمریکا برای مدیریت تحولات جاری خاورمیانه با تکیه بر متحدان منطقه‌ای و در نتیجه مدیریت حضور فیزیکی مستقیم، پیامدهایی از قبیل کاهش احتمال رویارویی نظامی مستقیم میان ایران و آمریکا را به دنبال خواهد داشت (عباسی و طاهری، ۱۳۹۸: ۲۶). براساس راهبرد موازنه فراساحلی، منطقه خاورمیانه به دلیل نبود هژمون بالقوه، به تدریج جایگاه نخست خود را در قیاس با شرق آسیا در اولویت‌های مناطق سه‌گانه سیاست خارجی آمریکا را از دست داده است و آمریکا دیگر مانند گذشته مایل نیست که سرمایه‌های خود را در منطقه خرج نماید و برای مقابله با چالش‌ها و تامین منافع خود بر استفاده از ظرفیت متحدان منطقه‌ای خود تکیه کرده است. (عباسی و طاهری، ۱۳۹۸: ۲۷). علیرغم تمایل بایدن برای اجتناب از دخالت آمریکا در جنگ

دیگری در خاورمیانه، در صورت وقوع آن، واشنگتن حمایت از دولت یهود را تحت مشارکت استراتژیک با اسرائیل، الزامی دانسته است (Saikal, 2022: 110)

مسئله مهم دیگر توافق ابراهیم است که می‌تواند راه را برای بحران‌های آینده هموار کند، زیرا با نادیده گرفتن کامل مسئله فلسطین، صلح را ارتقا نمی‌دهد. چرا که پس از اعلام توافق، نتانیاهو اعلام نمود که صرفاً با "تاخیر" الحاق موافقت کرده است و هرگز از حقوق اسرائیلی‌ها نسبت به سرزمین اسرائیل چشم‌پوشی نخواهد کرد. با استفاده حزب‌الله از موشک‌های ضد کشتی علیه کشتی‌های جنگی اسرائیل باعث شد تا این کشور از تاکتیک‌های از راه دور مانند حملات هوایی، هواپیماهای بدون سرنشین، ترورهای هدفمند در پاسخ به ایران و حماس در فلسطین استفاده کند (Sprusansky 2020). این توافقنامه اسرائیل را تشویق کرد که حاکمیت خود را با نقض قطعنامه‌های بین‌المللی که در آن الحاق غیرقانونی تلقی می‌شود، تحمیل کند که ممکن است فلسطینی‌ها به خشونت بازگردند (Bayrak, 2021: 112). از نظر بایدن، محدودسازی نفوذ منطقه‌ای ایران جرئی از فرآیند کنترل تسلیحاتی ایران است از این رو، مذاکرات منطقه‌ای یکی از عناصر سیاست بایدن است که به طور موثرتری با رفتار مخرب ایران در منطقه مقابله می‌کند (جمشیدی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۱۱) تا آن را به عقب براند.

این توافق همچنین تا حدودی موقعیت ژئواستراتژیک مشکل‌زا را که ایالات متحده در آن قرار دارد، معکوس می‌کند، زیرا به تدریج نیروهای خود را در خارج از کشور و منطقه کاهش می‌دهد. بنابراین، این توافق راه نجاتی برای نفوذ پایدار

ایالات متحده در منطقه است (Norlen & Sinai, 2020:9). از نظر توازن نظامی، تقویت روابط اسرائیل و دو کشور عربی باید ائتلاف ضد ایران را تقویت کند. علاوه بر این، صنعت دفاعی ایالات متحده با دور زدن ممنوعیت کنگره برای فروش تجهیزات نظامی با فناوری پیشرفته به دو کشور خلیج فارس، اکنون بازار ثروتمند جدیدی برای تجهیزات نظامی آمریکایی فراهم کرده است. هم برای نفت و هم به عنوان مرکزی برای تجارت، منطقه را به نقطه اشتعال جدید برای تجدید رقابت قدرت-های بزرگ تبدیل می‌کند. بسیاری از رهبران اقتدارگرای عرب با ارسال سیگنال به این نتیجه رسیده‌اند که تعامل پایدار ایالات متحده آمریکا اولویت اصلی برای آنهاست (Norlen & Sinai, 2020:12-11).

حوادث منتهی به ظهور داعش و النصره در عراق و سوریه و حتی افغانستان و ایفای نقش سازنده ایران در نابودی نسبی این جریان‌ها، منجر به تشکیل ائتلاف میان شیعیان منطقه، و بسترساز تشکیل شبه نظامیان حشدالشعبی و حزب الله شد (علیشاهی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۵۶). اثر دومینوی توافق‌نامه ابراهیم می‌تواند رژیم‌های عربی دیگر را تشویق کند تا موافقت‌نامه‌های همکاری دوجانبه را با اسرائیل امضا کنند (Norlen & Sinai, 2020:12). اگر «تهدید» از سوی جمهوری اسلامی ایران از برنامه‌های سیاست خارجی اسرائیل حذف شود، نیازی به حل مناقشه با فلسطینی‌ها از جانب اسرائیل وجود نخواهد داشت. اسرائیل که زمانی تحت کنترل بود، از گسترش روابط دیپلماتیک و سیاسی از طریق پیمان‌های ابراهیم بهره می‌برد (General & Kellogg & Olidort, 2021: 1). ایران می‌تواند تلاش‌های خود را برای به راه‌انداختن یک جنگ چندجانبه علیه اسرائیل - از غزه، لبنان و سوریه - و

کشورهای خلیج فارس از یمن دوچندان کند و آنها را به یک تبادل آتش منطقه‌ای بکشاند. تحلیلگر اسرائیلی زوی یحزکلی می‌گوید که این پویایی خطرناک می‌تواند به فاجعه منتهی شود: ایران با درک انحطاط قدرت نسبی خود چاره‌ای جز هسته‌ای شدن نخواهد داشت و نادیده گرفتن فلسطینی‌ها در توافق‌نامه ابراهیم، نارضایتی فزاینده ایجاد کند قطعاً منجر به خشونت و رژیم‌های عرب با تهدید مواجهه خواهند شد (Norlen & Sinai, 2020:14). با این حال، موضع ایران روشن است و هر گونه تهدید علیه منافع این کشور می‌تواند با توقف کشتیرانی در خلیج فارس مانع حرکت نفتکش‌ها به‌عنوان اقدامی تلافی‌جویانه شود. حسن روحانی، رئیس‌جمهور پیشین جمهوری اسلامی ایران گفت: «اگر توافق منجر به گسترش نفوذ اسرائیل در منطقه خاورمیانه شود، اوضاع تغییر خواهد کرد و به‌گونه‌ای دیگر با آنها برخورد خواهد شد» (Baqai & Mehreen, 2021: 117).

تلاش آمریکا و اسرائیل برای حمایت از تشکیلات خودگردان فلسطین در برابر گروه‌های همراه ایران از جمله حماس و جهاد اسلامی فلسطین، برای دستیابی به توافق صلح و جلوگیری از گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران، پیشرفت‌های موشکی، فضایی، پهپادی و هسته‌ای ایران از دیگر عوامل نزدیکی منافع واشنگتن و تل‌آویو است (عباسی و حمیدفر، ۱۳۹۹: ۱۷). مواضع ایران در قبال صلح خاورمیانه نارضایتی آمریکا و اسرائیل را برانگیخته است. این در حالی است که سیاستمداران آمریکایی اهمیت ایران را در مسئله صلح مد نظر دارند، کسینجر می‌گوید: «بدون مصر جنگی در خاورمیانه به وقوع نمی‌پیوندد و بدون سوریه صلحی پایدار در

منطقه شکل نمی‌گیرد؛ با این وجود ایران برای صلح خاورمیانه به همان اندازه مطرح است که مجموع دو کشور مصر و سوریه» (عبدالله خانی، ۱۳۸۲: ۱۴۶). ایران با مخالفت نسبت به روند صلح خاورمیانه، مانع همراهی دولت‌های عربی در قبال این صلح شده است.

آمریکا تمایلی به ارتقای توان راهبردی ایران ندارند و در سند استراتژی امنیتی ملی خود در ۲۰۲۱ ذکر کرده‌اند «ما حضور نظامی خود در خاورمیانه را بر حسب نیاز به شکلی تنظیم خواهیم کرد که شبکه‌های تروریستی بین‌المللی را بر هم زده، جلوی اقدامات تجاوزآمیز ایران را بگیرد و از منافع حیاتی آمریکا محافظت نماید» و «ما برای جلوگیری از توان تهاجمی ایران با شرکای منطقه‌ای خود کار خواهیم کرد». «ما با همکاری متحدان و شرکای خود، دیپلماسی اصولی را دنبال خواهیم کرد که به برنامه هسته‌ای ایران و سایر فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده آن پردازد» (شمولی و باقری دولت‌آبادی، ۱۴۰۰: ۵۲). با این وجود، سیاست بایدن بر خروج از افغانستان در ۲۰۲۱ و پایان جنگ یمن و خروج از عراق در آینده میان‌مدت نیز نشان می‌دهد تمایلی به حضور نظامی بلند مدت و تشدید تنش‌های منطقه‌ای با ایران ندارد (کیانی و حاجیانی، ۱۴۰۱: ۲۵).

نتیجه‌گیری

روابط آمریکا و اسرائیل، به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین موضوعات روابط بین‌الملل محسوب می‌شود. اهمیت بررسی این مسئله به‌دلیل تاثیرگذاری این اتحاد بر منافع دولت‌های خاورمیانه است. اسرائیل به‌عنوان «سرمایه استراتژیک» برای آمریکا

به حساب می‌آید و کمک‌های بایدن به این دولت با هدف دستیابی به اهداف استراتژیک خود صورت می‌پذیرد. با توجه به شاخصه‌های روابط میان دو دولت در این مقاله، نشان داده شد که بنیان این روابط بر اساس «منافع استراتژیک مشترک و متقابل» استوار است. محور اصلی سیاست خاورمیانه‌ای بایدن را موازنه فراساحلی تشکیل می‌دهد. در این چارچوب، بایدن با کاهش سطح درگیری عملیاتی خود در منطقه، جلوگیری از گسترش قدرت منطقه‌ای ایران را دنبال کرده و بسط نفوذ این کشور را از راه‌های مسالمت‌آمیز، نه لشکرکشی‌های نظامی پیگیری می‌کند. این موازنه بر سه الگوی رفتاری درهم‌تنیده برای محدودسازی قدرت ایران مبتنی بوده است. همکاری‌های چندجانبه یکی از شاخص‌های سیاست خاورمیانه‌ای بایدن در محیط منطقه‌ای است. دومین انگاره کنش تاکتیکی بایدن در سیاست امنیت خاورمیانه‌ای بر ثبات‌سازی منطقه‌ای و به حداقل رساندن سیاست‌های کنش عملیاتی مستقیم مبتنی بوده است. بایدن کوشید زمینه‌های لازم برای بازتولید موازنه جدید قدرت در منطقه را از طریق کاهش قدرت منطقه‌ای ایران و تحرک عملیاتی اسرائیل فراهم سازد. سومین انگاره بایدن در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا، مهار ایران است.

منابع

۱. آهوئی، مهدی (۱۳۹۰) نقش لابی اسرائیل در سیاست خارجی ایالات متحده؛ از اسطوره تا واقعیت، فصلنامه مطالعات جهان، دوره اول، شماره ۱، صص ۱۰۱-۱۲۶.

۲. برهانی، سیدهادی؛ حسینی، سیدحامد (۱۴۰۰)، راهبرد امنیت ملی اسرائیل در مواجهه با تهدیدهای محیط پیرامونی، فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، سال سوم، شماره هفتم، صص ۴۰-۶۴.
۳. جمشیدی، محسن؛ بنی‌هاشمی، یحیی؛ اصغری، مریم (۱۴۰۲) بایسته‌های حقوقی-سیاسی تهدیدات نفوذ خاورمیانه‌ای رژیم صهیونیستی و تاثیرات آن بر امنیت ملی ایران، دوفصلنامه رویکردهای حقوقی سیاسی، شماره اول، صص ۱۴۸-۱۷۷.
۴. جمشیدی، محسن؛ فلاحی، سارا؛ ایدی، محمد (۱۴۰۲) تهدیدات و فرصت‌های راهبرد کلان آمریکا (در دوره جو بایدن) در غرب آسیا بر مدیریت راهبردی ایران، فصلنامه بحران پژوهی جهان اسلام، سال ۹، شماره ۳ صص ۱۱۷-۹۷.
۵. جوادی، امین رضا؛ متقی، ابراهیم؛ ابطحی، مصطفی (۱۴۰۲) سیاست مقابسه‌ای خاورمیانه‌ای ترامپ و بایدن؛ از موازنه نظامی تا موازنه فراساحلی، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات اسلام سیاسی، سال ۲۶، شماره پیاپی، ۱۰۲.
۶. جوایل بینین، حداد بسام، سیکلی، شرین (۱۴۰۱) چشم‌اندازی جدید بر اقتصاد سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه: نیاکوئی، سیدامیر؛ سیمیر، رضا، نشر مخاطب.
۷. رادفر، فیروزه؛ دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۹) سیاست خارجی بایدن در قبال ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال بیست و سوم شماره چهارم، صص ۲۲۵-۲۵۳.
۸. رضایی میرقائد، جمشید؛ شهابی، روح‌الله؛ اکبرزاده، فریدون (۱۴۰۱) مدل راهبردی سیاست‌های ایالات متحده در قبال ایران با تاکید بر سه گفتمان کلان امنیتی (دوره بایدن)، فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۴، شماره ۲، صص ۲۳۷-۲۶۴.
۹. شمولی، همت‌الله؛ باقری‌دولت‌آبادی، علی (۱۴۰۰) راهبرد کلان آمریکا برای مقابله با ایران در دولت بایدن؛ از سیاست ژئوپلیتیک‌زدایی تا مشروعیت‌زدایی، نشریه تخصصی مطالعات راهبردی آمریکا، سال ۱، شماره ۳، صص ۴۳-۶۶.
۱۰. صالحی، فرامرز؛ کاویانی، رضا؛ مطلبی (۱۴۰۰) سیاست خارجی اسرائیل در قبال ایران، ماهنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره یازدهم، صص ۷۵۴-۷۷۳.

۱۱. عباسی (اشلقی)، مجید؛ حمیدفر، حمید رضا (۱۳۹۹) اتحاد عربستان و اسرائیل با آمریکا و پیامدهای آن بر موازنه قدرت و نفوذ ایران در خاورمیانه، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال ۱۷، شماره ۳، صص ۷-۲۵.

۱۲. علیشاهی، عبدالرضا؛ فروزان، یونس؛ سلیمانی سوچلمانی، حمید (۱۳۹۹) تاثیر ائتلاف راهبردی امارات و رژیم صهیونیستی بر امنیت خلیج فارس، نشریه علمی آفاق امنیت، سال ۱۳، شماره ۴۹.

۱۳. کیانی، احسان؛ حاجیانی، ابراهیم (۱۴۰۱) آینده مواجهه ایران و آمریکا در دولت بایدن، آینده پژوهی دفاعی، شماره ۲۴، صص ۲۹-۷.

۱۴. گوهری مقدم، ابوذر؛ حضرتی رازلیقی، محدامین (۱۴۰۱) چشم‌انداز راهبرد احتمالی ایالات متحده در غرب آسیا و الزامات سیاستی آن، فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، صص ۱۲۸-۱۵۳.

۱۵. مصلی‌نژاد، عباس (۱۴۰۲) سیاستگذاری اتصال تهدیدات امنیتی ایران در محیط منطقه-ای، فصلنامه سیاستگذاری عمومی، دوره ۹، شماره ۲، صص ۵۴-۶۷.

16. Ahmed, O. 2021. "The next Palestinian Intifada will involve more support from Iran" Accessed April 1, 2021.

<https://www.middleeastmonitor.com/20200222-the-nextpalestinian-intifada-will-involve-more-support-from-iran/>

17. Balaiah, S. The Middle East in 2021: Protraction of never-ending wars and conflicts.

18. Balaiah, S. The Middle East in 2021: Protraction of never-ending wars and conflicts.

19. Baqai, H., & Mehreen, S. (2021). Abraham Accords: A Journey From Arab-Israeli to Palestinian-Israeli Conflict. *JISR management and social sciences & economics*, 19(1), 113-126.

20. Bayrak, P. (2021). Abraham Accords: Palestine issue should be addressed for a peaceful Middle East. *Cappadocia Journal of Area Studies*, 3(1), 104-115.

21. Biden, Joe (2020) There's a smarter way to be tough on Iran, <https://edition.cnn.com/2020/09/13/opinions/smarter-way-to-be-tough-on-iran-joe-biden/index.html>.

22. Blinken, A.J. (2021). The United States Restores Assistance for the Palestinians. U.S. State Department.
23. Chalfant, M. (2021). Biden pledges \$100 million in aid to Lebanon on anniversary of Beirut blast. The Hill
- Friedman, Thomas L. (2020) Biden: 'We're Going to Fight Like Hell by Investing in America First',
<https://www.nytimes.com/2020/12/02/opinion/biden-interview-mcconnell-china-iran.html>.
25. General, L., Kellogg, K., & Olidort, J, (2021), CENTER FOR AMERICAN SECURITY.
26. Harris, P., Marinova, I., & Gricius, G. (2023). War in Ukraine in a polarised America. *LSE Public Policy Review*, 3(1).
27. Huczko, M. (2023). Ten facts about American policy towards the Israeli-Palestinian conflict under President Joe Biden. *Science. Business. Society.*, 8(1), 24-27.
28. Ignatius, D. (2021). Biden learned from his predecessors mistakes in the Middle East and probably saved lives. The Washington Post
29. J. Art, Robert, (2018), "A Grand Strategy for America", Cornell University Press Ithaca and London.
30. Jangid, K. (2023). Biden isn't so fond of Netanyahu to grant him a blank cheque from the US. *The Print*.
31. Jiang, Z. (2021, October). Biden's Middle East Policy: Inheritance and Changes to Trump's Middle East Policy. In *2021 International Conference on Public Relations and Social Sciences (ICPRSS 2021)* (pp. 85-94). Atlantis Press.
32. Karni, A. (2021). Biden Praises Jordan's King Abdullah as a loyal Friend in a Tough neighborhood. The New York Times, available: <https://www.nytimes.com/2021/07/19/us/politics/king-abdullah-jordan-biden.html>.
33. Mearsheimer, J. J., & Walt, S. M. (2016). The Case for Offshore Balancing: A Superior US Grand Strategy. *Foreign Aff.*, 95, 70.
34. Mearsheimer, John J, Stephen M. Walt, (2016), "The Case of Offshore Balancing: A Superior U.S. Grand Strategy," *Foreign Affairs*, Vol. 4, No. 95, July/August.

35. Mossalanejad, Abbas, (2018)," The Middle East Security and Donald Trump's Grand Strategy", *Geopolitics Quarterly*, Volume: 13, No 4, Winter.
36. Norlen, T., & Sinai, T. (2020). The Abraham Accords—Paradigm Shift or Realpolitik. *The George C. Marshall European Center for Security Studies*, 64.
- Phillips, J., & Brookes, P.(2023), Undermining Joint Russian– Iranian Efforts to Threaten US Interests. No. 5312 | April 27, 2023, KATHRYN AND SHELBY CULLOM DAVIS INSTITUTE FOR NATIONAL SECURITY AND FOREIGN POLICY.
38. Ram, Haggai (2009), "Iranophobia: The Logic of an Israeli Obsession", Stanford: Stanford University Press.
39. Roblin, Sebastien (December 5, 2018), "Meet Israel's Ultimate Weapon: Custom-Built F-35 Stealth Fighters", *The National Interest*, Available at: [https://nationalinterest.org/blog/buzz/meet-israels-ultimate-weapon-custom-built-f-35steal th-fighters-37947](https://nationalinterest.org/blog/buzz/meet-israels-ultimate-weapon-custom-built-f-35steal-th-fighters-37947).
40. Roskin, M. G. (2016). Rebalancing offshore balancing. *The US Army War College Quarterly: Parameters*, 46(3), 3.
41. Saikal, A. (2022). The Middle East: Jihadist Militancy, National And Intra-State Tensions, And State-Society Dichotomy: Jihadist Militancy, National and Intra-State Tensions, and State-Society Dichotomy.
42. Sprusansky, D. 2020. "Palestinian and US Reactions to Israel-UAE Normalization". *Washington Report on Middle East Affairs*. October 2020: 54-55.
43. Sullivan, Emily, (2021, July 9), Americans Favor a Two-State Solution More Than Israelis and Palestinians Do. <https://www.thechicagocouncil.org/commentaryand-analysis/blogs/americans-favor-two-statesolution-more-israelis-and-palestinians-do>
44. Timmerman, K. R. (2024). Israel's War of Survival and the End of the Two-State Solution.